

غالباً هر انقلابی در روند رو به رشد خود، طی مراحل مختلفی به اهداف خود نائل می‌آید. انقلاب اسلامی نیز مستثنای از این قاعده نیست. در حقیقت نقطه آغاز انقلاب اسلامی مردم ایران، قیام رسد امام خمینی(ره) در سال‌های ۴۱–۴۲ بود و تا امروز با طی مراحل و فرآیندی خاصی در مسیر وصول به اهداف نهایی خود گام برداشته است. در یک تحلیل، فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی پنج مرحله دارد، در طریح دیگری، این فرآیند چهار مرحله‌ای و در سطح سوم این فرآیند شامل سه مرحله می‌باشد. نکته دیگر این است که تمامی فرآیندهای پیش گفته، نیازمند نرم‌افزاری هستند که بدون استفاده از آن، هیچ گونه موفقیتی متصور نیستست. مقصود از نرم‌افزار نیز، برنامه برای عمل است. این نرم افزار در انقلاب اسلامی، «فقه» بوده و معرّی آن قیام است.

انقلاب اسلامی بر مبنای فقه اسلامی و با رهبری فقیهی

نقش فقه در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی

فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی
در یک دیدگاه فرآیند انقلاب اسلامی در سه مرحله پیش‌بینی شده است. طرفداران این طرح معتقدند انقلاب اسلامی جامعه ایران به رهبری امام خمینی(ره) را، به سه مرحله می‌توان تقسیم کرد:

پس از مراحل میانی و با ورود انقلاب اسلامی به مراحل نهایی انقلاب اسلامی، و تغییرات بنیادین در اوضاع و شرایط و گسترده‌تر شدن جغرافیای اهداف انقلاب اسلامی، نرم‌افزاری معطوف به تمدن و توانای بر نظام‌سازی مورد نیاز است. فقه در این مرحله، فقه حکومتی عنوان یافته و تفاوت‌های اساسی با مرحله فقه سنتی و فقه پویا دارد.

۱- مرحله ایجاد انقلاب اسلامی: اولین مرحله انقلاب اسلامی، یعنی ایجاد انقلاب اسلامی، گرچه پیشینه‌ای به درازای تاریخ تشیع دارد، اما نمود و ظهور عینی آن از سال ۴۲ شروع و در سال ۵۷ به سرانجام رسید.
۲- مرحله استعقرار انقلاب اسلامی: مرحله دوم، یعنی استقرار انقلاب اسلامی، بلافاصله پس از پیروزی، آغاز و با تصویب قانون اساسی و تشکیل دولت و نهادهای قانونی حکومتی، شروع شد. اهمیت و ویژگی این مرحله در این است که انقلاب اسلامی در صورت موفقیت در این مرحله،

اعتراف اندیشمندان غربی به اعتقادی بودن انقلاب اسلامی ایران
مکتبی و اعتقادی بودن انقلاب اسلامی ایران حقیقتی است که در اعترافات برخی دانشمندان غربی متجلی شده است که چند نمونه از آنها را ذکر می‌کنیم:
زنده شدن عظمت دبر پرنه جهان اسلام
روژه گاردوی اندیشمند معروف فرانسوی تصریح می‌کند: «انقلاب اسلامی ایران تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای این داشت. در عصری که می‌رفت عزت و شوکت اسلامی توسط استعمارگران و دشمنان اسلام پایمال گردد و ارزش‌ها و اخلاق و ارزش‌های اسلامی به پوته فراموشی سپرده شود، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) به وقوع پیوست و فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی را به ابرمغان آورد و بارقه امید را در دل میلیون‌ها مسلمان در گوشه و کنار دنیا زنده کرد و باعث تجدید حیات اسلام و زنده شدن مجد و عظمت دیرینه جهان اسلام شد.»(۱)

میشل فوکو فیلسوف اروپایی، اسلامی بودن انقلاب اسلامی را تجزیه و تحلیل و به آن اعتراف نموده است.

در کتاب انقلاب اسلامی ایران(ویرواست چهارم) آمده است:

«میشل فوکو، فیلسوف مشهور فرانسوی ونظر به‌رآن فرامردمسدر در جریان انقلاب اسلامی ایران به تهران وقم مسافرت کرده‌واز نزدیک شاهد وقوع انقلاب بوده است.وی مقالات متعددی نیز در این باره منتشر کرده است. فوکو در خصوص فرشی‌هایی علل وقوع انقلاب اسلامی ایران معتقد است که این انقلاب نمی‌تواند با انگیزه‌های اقتصادی و مادی صورت گرفته باشد؛ زیرا جهان، شاهد شورش و قیام همه مردم بر علیه قدرتی می‌باشد که مشکلات اقتصادی آن در حدی بزرگ نبوده که در نتیجهٔ آن، میلیون‌ها ایرانی به خیابان‌ها بیزیند و قیام کنند. از این روی، ریشهٔ این انقلاب را باید در جایی دیگر جستجو کرد. از دیدگاه فوکو، زبان، شکل و محتوای مذهبی انقلاب اسلامی ایران عاری، اتفاقی و تصادفی نیست، بلکه در حقیقت، این رهبری مذهبی بود که با تکیه بر موضع مقاوم و انقلابی سلبفقه‌دار در مکتب تشیع در برابر قدرت‌های سیاسی حاکم و نیز نفوذ عمیق در دل ایرانیان توانست آنان را این‌گونه به قیام واداره؛ آن‌ها علیه رژیم‌یک می‌شک یکی از مجزهرترین ارتش‌های دنیا را در اختیار داشت و از حمایت مستقیم آمریکا و دیگر قدرت‌ها برخوردار بود.»او در خصوص نقش برجسته رهبری انقلاب می‌گوید:

«شخصیت آیت‌الله خمینی پهلو به افسانه می‌زند. هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی‌ای - حتی به پشتیبانی همه رسانه‌های کشورش - نمی‌تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین شخصی و چنین نیرومند دارند.»

به نظر فوکو، روح انقلاب اسلامی در این حقیقت نهفته است که ایرانی‌ها از خلالات انقلاب خود درصدد ایجاد تحول و تغییر در خویش بودند. در واقع هدف اصلی آنها ایجاد تحولی بنیادین در وجود فردی و در حیات سیاسی و اجتماعی و در نحوه تفکر و شیوهٔ تفکر خویش بود. ایرانیان خواهان این بودند که تجربه و نحوهٔ زیستن خود را دگرگون سازند و برای این منظور، پیش از هر چیز، خود را هدف قرار داده بودند. آنان راه اصلاح را در اسلام یافتند، اسلامی که برای آنان بود درای خود فردی و هم درمان بیماری‌ها و نواقص اجتماعی بود. فوکو برای درک انقلاب اسلامی مستقیماً به سراغ مردم انقلابی در خیابان‌ها رفته است. به نظر وی از نگاه این مردم، حکومت اسلامی از یک سو حرکتی برای ارائهٔ نقشی دائمی و تعریف شده به ساختارهای سنتی جامعهٔ اسلامی و از سوی دیگر راهی برای ورود ابعاد معنوی به زندگی سیاسی بود. مفهوم معنویت‌گرایی سیاسی، بنی‌مایهٔ تحلیل فوکو از انقلاب اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب فوکو انقلاب اسلامی ایران را انقلابی فرامردان خوانده است.»^(۲)

تنها انقلاب آگاهانهٔ دنیا

تدا اسکاچپل یکی از مشهورترین نظریه‌پردازان انقلاب‌هاست.او معتقد است: «اگر در دنیا تنها یک انقلاب آگاهانه ایجاد شده باشد، آن انقلاب انقلاب ایران است.»

از نگاه او، هنگامی که در اثر نوسازی شدید، یعنی اصلاحات ارضی، مهاجرت گسترده به شهرها، توسعه نظام آموزش و پرورش جدید، موضع‌گیری منفی شاه نسبت به بازاریا، مانند مداخله در تجارت و کنترل بازار و نیز کنار نهادن روحانیون از فعالیت‌های مربوط به تعلیم و تربیت، قضاوت و مانند آن، یأس و از خودبیگانگی اجتماعی پدید آمد و حکومت، آسیب‌پذیر شد، مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی ریشه‌دار در تاریخ اسلام شیعی و نیز اسطوره بنیادین تشیع یعنی حضرت امام حسین(ع) مراسم مذهبی، شبکه مساجد و روحانیت به گونه‌ای هوشتیاره انقلاب اسلامی را به وجود آورد.»^(۳)

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷/۱/۱۳.
۲- انقلاب اسلامی ایران(ویرواست چهارم)، صص: ۴۴ و ۴۵.
۳- برگرفته از:نظریه تدا اسکاچپل و انقلاب اسلامی ایران، انقلاب اسلامی بیرون از مدار تحلیل غربیان، پایگاه اطلاع رسانی و خبری جمارن. کد خبر: ۱۳۷۴۶. تاریخ خبر: ۱۳۹۲/۱/۱۱



جامع‌الشرایط ایجاد شده و طی سه دهه به استمداد از فقه شیعی در فرآیند تکاملی خود گام برمی‌دارد. هر کدام از فرآیندهای سه‌گانه پیش گفته که در دستور کار قرار گیرد، لاجرم نیازمند فقه هستیم. هر کدام از مراحل سه‌گانه، چهارگانه و پنجگانه فرآیندهای پیش‌گفته، شرایط و لوازم خاصی را نیازمند می‌باشند. مراحل ابتدایی فرآیندها با نرم‌افزاری بی‌سیستم نیز امکان دارد. مراحل میانی آنها اما، نیازمند نرم‌افزاری به مراتب تخصصی‌تر، و مرحله نهایی آنها، نیازمند نرم‌افزار نهایی و ایده‌آل است تا بتواند انقلاب را به خارج از مرزهای جغرافیایی پیش برده و در سطح منطقه‌ای و جهانی به تدبیر بشریت بپردازد.

انقلاب اسلامی مراحل ابتدایی خود را با محوریت فقه سنتی هزار و چهارصد ساله شیعه آغاز نمود. در مراحل میانی اما، به جهت پیشامد مسائل و موضوعات جدید و عدم توانایی پاسخگویی

عباسعلی مشکاتی سبزواری

وارد مرحله توسعه و حرکت از جمهوری اسلامی به سوی تمدن اسلامی می‌گردد. با توجه به موقعیت تثبیت شده جمهوری اسلامی، می‌توان ادعا کرد مرحله استقرار انقلاب اسلامی با موفقیت پشت سر نهاده شده است.
۳-مرحله توسعه انقلاب اسلامی: هم‌اکنون انقلاب اسلامی پای در مرحله توسعه انقلاب نهاده و بر اساس یک برنامه بلندمدت درصدد توسعه انقلاب اسلامی و صدور آن به جهان است. توسعه انقلاب اسلامی، به معنای فراگیری منطقه‌ای و بین‌المللی اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی است. اهمیت این مرحله از آن جهت است که در صورت موفقیت در این دوره، انقلاب اسلامی، پای در انقلاب جهانی اسلامی و تمدن جهانی اسلامی مبتنی بر نگرش جهانی خواهد گذارد.

این فرآیند ناظر به حرکتی است که انقلاب اسلامی در دوره‌های یاد شده و نیز دوره‌های پیش رو داشته باشد تا به اهداف و موفقیت‌های مورد نظر خود در هر مرحله از مراحل سه‌گانه پیش‌گفته، نائل آید. بدینهی است که مرحله سوم نسبت به مراحل دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است، چه اینکه کارآمدی و کارایی انقلاب اسلامی و حکومت دینی مبتنی بر آموزهای اسلامی و شیعی، در این دوره ارزیابی خواهد شد.

دیگر اینکه در دوره اول و دوم، هدف حرکت جامعه، به ویژه بر اساس هدایت‌ها و رهبری حضرت امام(ره) اولاً بسط و ثانیاً شفاف و روشن نمود. اما در دوره سوم این هدف ابعادی چند وجهی می‌یابد و به لحاظ پیچیدگی این ابعاد، از شفافیت و روشنی آن کاسته می‌شود که در نتیجه مسیر حرکت جامعه را با مشکلات اساسی مواجه می‌کند. حل این مشکلات نیز در سایه کشف قابلیت‌های جدید در منابع اسلامی امکان‌پذیر است. همچنین در مسیر حرکت رو به جلوی انقلاب اسلامی، بر سرعت، گستردگی و نیز جرشش تغییرات افزون می‌شود و همین امر بر حجم مسائل پیش رو می‌افزاید.

به لحاظ ساختاری نیز، جامعه اسلامی در مرحله سوم، از مزیت نظاممند شدن فعالیت‌ها برخوردار می‌شود که در عین افزایش میزان بهره‌وری‌ها، منجر به مسائل و آسیب‌هایی نیز خواهد شد. از طرف دیگر دشمنان انقلاب اسلامی به لحاظ شناخت گسترده‌تری که نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی به دست می‌آورند، فرصت بیشتری برای فعالیت‌های ریشه‌ای‌تر نیز می‌همانگت‌تر علیه انقلاب اسلامی می‌یابند.

مهم‌تر از همه اینکه، مرحله اول و دوم، درون مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی و در میان مردمان مومن و معتقد به نظام و جمهوری اسلامی وقوع پیوستست، مرحله سوم اما، پای را از جغرافیای خودی فراتر نهاده و سطح منطقه و بین‌الملل را شامل خواهد شد. بالطبع مسائل و موضوعات جدیدی فرا راه خود خواهد یافت، که پیش‌تر به نظیر آن بر‌خوردار نگرده بود و بایستی در صدد پاسخگویی و اشباع آنها برآید. (ر.ک. مشکاتی سبزواری، فقه حکومتی نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۲، ص ۹۷-۱۱۸)

خدمات متقابل فقه و انقلاب اسلامی

با توجه به اینکه نرم‌افزار فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی را فقه لقمداد نمودیم، در ادامه به بررسی مناسبات فقه و انقلاب خواهیم پرداخته و کاربردهای آن در مراحل مختلف فرآیند تکاملی انقلاب را بررسی می‌نماییم. انقلاب اسلامی با تکیه بر آموزه‌های فقه شکل گرفت و در مسیر پیشرفت قرار گرفت.

فقه نیز به مثابه تبیین‌کننده نرم‌افزار نظام‌ساز اسلام و به عنوان محورین عامل اداره جامعه اسلامی که تا پیش از انقلاب اسلامی به محاق رفته بود، به صحنه اجتماع و حکومت درآمد و در مسیر تکامل و توسعه قرار گرفت. توضیح اینکه، از مهم‌ترین نوآوری‌های امام خمینی(ره) در کنار ارائه تئوری انقلاب بر مبنای فقه، اجتهاد انقلابی و انقلاب در

اگر مسئله بسیار مهم بقا و توسعه انقلاب اسلامی در دستور کار باشد، امکان اکتفا به نرم‌افزارهای پیشین وجود ندارد. اکتفا به نرم‌افزارهای پیشین در واقع تجویز انحطاط از جامعه جهانی به جامعه مدنی و یا طبیعی و نیز ایستا کردن حرکت پویای انقلاب اسلامی و فرآیند تکاملی آن و به انحراف کشاندن آن است. با این حساب در دروازه جامعه جهانی و در مراحل نهایی فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی، ما نیازمند تولید فقه متناسب با این مرحله و بازسازی، نوسازی و آماده‌سازی نهاده‌ا و را کان نظام اسلامی هستیم.

معارف Maaref@Kayhan.ir

فقه سنتی، فقه پویا (به معنای مثبت آن)، با نگرش بسط موضوعی و استفاده از علوم تخصصی یا به عرصه نهاد. در مراحل نهایی فرآیندهای تکامل اما، نرم‌افزارهای پیشین جوابگو نیست. دلیل آن نیز نوع نگاه دو نرم‌افزار پیشین به مسائل و موضوعات است. میانی، و به وجود آمدن فضای جدید، بالطبع نرم‌افزارهایی نیز باید سختی لازم با محیط جدید را می‌یافت. بدین خاطر با تحولاتی کلی، فقه از مرحله سنتی به مرحله جدید پای نهاد. فقه در این دوره با عنوان فقه پویا مشهور گشته است. پس از مراحل میانی و با ورود انقلاب اسلامی به مراحل نهایی انقلاب اسلامی، و تغییرات بنیادین در اوضاع و شرایط و گسترش شدن جغرافیای اهداف انقلاب اسلامی، نرم‌افزاری معطوف به تمدن و توانا بر نظام‌سازی مورد نیاز است. فقه در این مرحله، فقه حکومتی عنوان یافته و تفاوت‌های اساسی و بنیادینی با مرحله فقه سنتی و فقه پویا دارد.

مقاله حاضر با نصب‌العین قرار دادن فرآیند سهه مرحله‌ای، به تبیین مناسبات فقه و انقلاب اسلامی و تحلیل فقه‌ها شناختی فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی و سیر تطورات فقهی جامعه از انقلاب اسلامی پرداخته، نرم‌افزارهای مورد نیاز فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی را به بررسی نشسته است.

رسمیت شناختن تأثیر زمان و مکان در اجتهاد و استنباط احکام اسلامی، فضایی به مراتب بزرتر و گسترده‌تر از قبل فرا راه فقه گشوده شد. این تحرک ناشی از پیشروی انقلاب اسلامی از مراحل ابتدایی به مراحل میانی بود. به بیان دیگر با حرکت انقلاب از مراحل ابتدایی به مراحل میانی، و به وجود آمدن فضای جدید، بالطبع نرم‌افزارهایی نیز باید سختی لازم با محیط جدید را می‌یافت. بدین خاطر با تحولاتی کلی، فقه از مرحله سنتی به مرحله جدید پای نهاد. فقه در این دوره با عنوان فقه پویا مشهور گشته است. پس از مراحل میانی و با ورود انقلاب اسلامی به مراحل نهایی انقلاب اسلامی، و تغییرات بنیادین در اوضاع و شرایط و گسترش شدن جغرافیای اهداف انقلاب اسلامی، نرم‌افزاری معطوف به تمدن و توانا بر نظام‌سازی مورد نیاز است. فقه در این مرحله، فقه حکومتی عنوان یافته و تفاوت‌های اساسی و بنیادینی با مرحله فقه سنتی و فقه پویا دارد.

تحلیل جامعه‌شناختی فرآیند تکاملی توأمان فقه و انقلاب اسلامی
تحلیل جامعه‌شناختی فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی و سیر تطورات فقه به موازات آن، به شرح ذیل است:

جامعه بشری از حیث ساختار و نوع اداره آن دوره‌های متعددی را گذرانده‌ و می‌گذراند. اولین مرحله را می‌توان جامعه طبیعی و ابتدایی نامید. البته این عنوان را نباید با معنای منفی آن، که برخی از جامعه‌شناسان به کار برده‌اند، خلط کرد. مقصود از جامعه طبیعی در



این تحلیل، دوره‌ای از حیات بشری است که موثرترین عامل در حرکت فردی و اجتماعی جامعه، عوامل طبیعی است؛ لذا شکل حرکت بشر و نوع زندگی و امر معاش و نیز در این دوره بیشتر همگام با طبیعت است. حکومت‌ها نیز در این دوره بیش از اینکه وظیفه‌ای در قبال شهروندان داشته باشند، مسئولیت‌هایی منحص در قبال عوامل بیرونی دارند. در این جامعه افراد در درون حکومت به ویژه در زندگی خصوصی و شخصی که گستره بسیار وسیعی دارد، از وسعت عمل گسترده‌ای برخوردارند و همین امر باعث می‌شود که در جوامع اسلامی، رهبران دینی به ویژه فقها برای تحقق اهداف دین به مرز ضرورت ایجاد حکومت اسلامی نرسیده و با ایجاد رابطه ویژه با پیروان خود، امکان هدایت و رهبری آنان را حتی بدون ایجاد حکومت پی می‌گیرند.

با گذشت زمان و گذر جامعه بشری از جامعه طبیعی به «جامعه مدنی» آنگاه حکومت اهمیت مضاعفی می‌یابد. البته مفهوم جامعه مدنی در طول تاریخ، تحولات عمده و معنایی مختلفی پیدا کرده است. مقصود از جامعه مدنی در این تحلیل عبارت است از جامعه‌ای که حکومت علاوه بر مسئولیت در قبال عوامل بیرونی، در قبال شهروندان مسئولیت‌های گوناگونی را همچون به رسمیت شناختن و حفاظت از حقوق مالکیت فردی، احترام به حوزه حقوق خصوصی، خصوصاً حق شهروندان برای مشارکت در بحث عمومی و زندگی سیاسی، بر عهده دارد. (ن.ک. جامعه مدنی، آزادی، اقتصاد و سیاست، ص ۲۹-۳۰).

اینجاست که متدینان و متولیان دین، به ضرورت در دست داشتن دولت و نظام حکومت در ارتباط با شهروندان، حکومت در دایره وسیع‌تری از موضوعات اعمال حاکمیت می‌کند و همین امر باعث می‌شود در جوامع اسلامی به تدریج دایره تعارض میان اعمال حاکمیت دولت و دایره اعمال حاکمیت دین، فقه و فقها بیشتر شود. نتیجه این تعارضات در ایران اسلامی، منجر به ایجاد انقلاب اسلامی شد.

طبیعی است که هر کدام از دو وضعیت جامعه طبیعی و جامعه مدنی و به بیان دیگر، وضعیت قبل از انقلاب و وضعیت بعد از انقلاب نرم‌افزار و فقه متناسب با خود را نیازمند است. بعد از انقلاب تا استقرار انقلاب اسلامی، جامعه انقلاب ایران، همچنان در جامعه مدنی به سر می‌برد. تنها تفاوت نرم‌افزار انقلاب با مرحله ایجاد، مواجهه انقلاب با مسائل فزونی‌تر و جدی‌تر نسبت به قبل است و همین فزونی نیز نرم‌افزار و فقه متناسب با خود را می‌طلبد. پس از جامعه مدنی، نوبت به جامعه فقه‌ای می‌رسد. در آن زمان جامعه جهانی، انقلاب اسلامی به مرحله توسعه وارد می‌شود. نهاد و نگاه جامعه جهانی با جامعه مدنی متعلق بوده و بالطبع نهاد و نهادن مرحله توسعه انقلاب اسلامی با مرحله استقرار آن تفاوت خواهد داشت. در این مرحله نرم افزار مربوط به مراحل گذشته فاقد کارآمدی و اثربخشی لازم در جامعه جهانی و مرحله توسعه انقلاب اسلامی خواهد بود. (ن.ک. گفتارهایی در فقه سیاسی، ص ۲۴۴).

بسا توجه به تبیینی که از تفاوت مراحل چندگانه فرآیند تکاملی

انقلاب اسلامی و نیز تفاوت هر کدام از جریان‌های فقهی فردی، پویا و حکومتی از یکدیگر ارائه شد، اساسی‌ترین سوال در اینجا این است که با ورود انقلاب اسلامی به مراحل نهایی فرآیند تکاملی خود، آیا می‌توان به نرم‌افزارهای پیشین اکتفا کرد و مثلاً با نرم‌افزار مراحل ابتدایی فقه و واقع غیبت معصومین(ع) شرایط ویژه‌ای برای شیعه بود که با مسائلی همچون:
۱- توسعه انقلاب اسلامی در دوران علما و فقهای شیعه در صدد تبیین احکام الهی برمی‌آیند.
۲- شرایط گونه‌گون این بازه زمانی باعث ایجاد مکاتب و دوره‌های فقهی و اصولی گوناگونی می‌شد. این جریان تا پیش از انقلاب اسلامی در یک خط مستقیم با فراز و نشیب نسی در جریان بود و وجه اشتراک تمامی مکاتب و دوره‌های فقهی در این بازه زمانی طولانی مدت، ادامه حیات در فضای کاملاً و یا نسبتاً تقیه‌آمیز می‌باشد. دورانی نیز که تقیه به کمینه می‌رسید، فقها تنها مأمور تمسیت احکام الهی با رویکرد فردگرایانه بودند. در واقع استنباط استنباط احکام الهی مبتنی بر حکومت بود، هرگز مهیا نشده بود. از همین روی تمامی ادوار گذشته و مکاتب پیشین اعم از اصولی و اخباری در قالب فقه سنتی و فردی معرفی می‌شوند. البته فقه سنتی در عین فراگیری نگاه فردی در نهاد خویش، بیگانه از سیاست نبود و اصولاً مراحل ابتدایی انقلاب اسلامی، مدیون و مبتنی بر همین فقه سنتی بوده است. پس از انقلاب اسلامی ایران و ایجاد شرایط ویژه و تاریخی حاکمیت دینی، مسائل جدید و کلاسی فراوری فقها قرار گرفت. پس از این مصاف، اکثریت فقهای نواندیش و پویا در اندیشه رویکردی نوین به فقه پیدا کردند.

بر همین اساس پس از مراحل ابتدایی انقلاب اسلامی و در دوره‌های میانی فرآیند تکاملی انقلاب، بر اثر تلاش اندیشه‌وران فقه، فقه شیعه در برخورد با مسائل و موضوعات جدید در عرصه اجتماع و حکومت با یک یک گام به پیش، از حالت دگم خویش به در آمد و با استناد بر لزوم استفاده از علوم تخصصی دیگر در حیظه موضوع شناسی و نیز با به «فقه حکومتی» نام گرفته است.

صفحه ۸
پنج‌شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۵
۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۲۸ - شماره ۲۱۵۵۸



چراغ راه

شناخت عبوب همراه با تذکر و هشدار

قال الامام الحسن(ع): «ان من خوفک حتی تبلغ الامن، خیر من یومنک حتی لتلقی الخوف»

امام‌حسن مجتبی(ع) فرمود: همانا کسی که تو را در برابر عیبها و کمبودها هشدار دهد تا آگاه و پندار شوی، بهتر است از آن کسی که فقط تو را تعریف و تمجید کند تا بر عیبهای افزوده گردد.^(۱)

۱- احق الحق، ج ۱۱، ص ۴۴۲



ارزش تلقین توحید، نبوت و امامت

امام حسن عسکری(ع) می‌فرماید: مردی قاتل پسرش را پیش امام زین‌العابدین(ع) آورد، قاتل اعتراف به قتل کرد، حضرت حکم به قصاص کرد و از ولی ت تقاضای عفو کرد، تا در مقابل این عفو، خداوند ثواب عظیمی به او عنایت فرماید اما ولی دم تمایل به عفو نشان نداد، حضرت فرمود: اگر قاتل در گردن تو حتی دارد به خاطر زن را و را ببیخ، عرض کرد: با این رسول‌الله، حتی بر من لادن، که به این اقدام نیست که در مقابلش از خون پدرم بگذرم، فرمود: قاتل چه حتی بر تو دارد؟ عرض کرد: با این رسول‌الله، او به من توحید خدا و نبوت محمد رسول‌الله و امامت علی و امامان را تلقین کرده است. حضرت فرمود: آیا این کفایت نهی پدتر را نمی‌کند؟ به خدا قسم این تلقین او در برابر عیب‌های همه مردم روی زمین از اولین و آخرین غیر از پیامبران و امامان، کفایت می‌کند. بعد حضرت به قاتل فرمود: ثواب آن تلقین را به من واگذار می‌کنی تا دیه را به تو بدهم و تو با پرداخت آن به ولی مقتول از مرگ نجات پیدا کنی.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۲



پرورش و پاسخ

چرایی تکرار برخی آیات قرآن
پرشن:
در قرآن کریم به چه دلیل بعضی آیات و یا حتی قصص قرآنی زیاد تکرار شده است؟

در مورد مطالب، وازه‌ها و کلماتی که در قرآن تکرار شده مانند سوره الرحمن که این «قیای الاء، ربکما تکذبان» با داستان حضرت موسی و حضرت آدم علیهما‌السلام و همچنین داستان میهمانی حضرت ابراهیم(ع) و نیز آیه «یقولون منی هذا الوعد» که در چند جای قرآن آمده است در این زمینه مفسران دو دیدگاه دارند:

دیدگاه اول: تکرار در قرآن وجود ندارد
برخی از مفسران و متفکران اسلامی معتقدند که اساساً در قرآن «تکرار» وجود ندارد بلکه بعضی از این وازه‌ها، لفظاً تکرار شده اما در معنای تکرار وجود ندارد. بدین صورت که ما هر مورد را مثلاً قیای الاء، ربکما تکذبان» و «یقولون منی هذا الوعد» با قبل و بعدش که در نظر بگیریم، معنای جدیدی را به ما منتقل می‌کند.

در یک ای می‌فرماید: «کدام نعمت را شما تکذیب می‌کنید؟» مثلاً اشاره می‌کند به آسمان‌ها و زمین و جای دیگر اشاره می‌کند به انسان و همینطور موارد دیگر. در حقیقت سؤال جدید و مطلب تازه‌ای است.

با داستان آدم و موسی و انبیای دیگر که تکرار شده، در برابر از زاویه خاصی، به این داستان نگاه شده و مطلب تازه و نوینی را به خواننده معرفی می‌کنند و بنابرین هرچند به نظر می‌رسد کلماتی تکرار شده، ولی معنای تکراری نیست!

دیدگاه دوم: تکرار به دلیل تربیت و هدایت است
برخی معتقدند، تکرار در قرآن هست، و لفظ اولی ما باید ببینیم «چرا در قرآن مطالبی مکرر آمده است؟» قبل از پاسخ به این پرسش بنگریم که «قرآن چگونه کتابی است؟»
سرد کلماتی تکرار شده است، کتاب تربیت و هدایت مستلزم آن است که گاهی اوقات، مسائل تربیتی برای کسی که مورد تربیت قرار می‌گیرد تکرار شود، هر مربی و هر معلمی، هر مربی مطالبی را مکرر برای شخص مورد تربیت می‌گوید، تا اینها برایش ملکه شود و در ذهن و جان او جای گیرد و به صورت ثابت درآید و این اشکال ندارد. در نظام تعلیم و تربیت امروزی، تکرار را کسی منع نمی‌کند البته نباید تکرار مألوف و خسته‌کننده باشد بلکه لازم است در حد ضرورت و مصلحت باشد.قرآن هم چون کتاب تربیتی است از همین روش استفاده کرده است.بنابراین باید گفت: اولاً تکرارهای قرآن قایده‌های تربیتی دارد و هر تکراری نباشند نمی‌باشد. دوم اینکه به مناسبت‌های مختلف و در حد ضرورت تکرار شده است و سوم اینکه در هر قسمتی از این تکرارها همانطور که اشاره شد از زاویه خاصی نگاه شده مثلاً همین دو موردی که در داستان میهمانی حضرت ابراهیم(ع) در مورد آیه ۶۹ آمده و در سوره عنکبوت آیه ۲۱ هم این مطلب را می‌بینید اما در سسوره هود، میهمان‌نوازی حضرت ابراهیم(ع) و آداب میهمانداری مورد تأکید واقع شده است و در سوره عنکبوت اصلاً بحث میهمان‌نوازی حضرت ابراهیم(ع) مطرح نشده است بلکه بعد دیگری از مطلب مورد توجه واقع شده است که این فرشتگان آمدند خانه حضرت ابراهیم(ع) و چی گذشت‌ا و چه کاری انجام دادندا

یعنی در هر کدام از این آیات می‌بینیم به مناسبت آن استفاده‌ای که می‌خواستند از این داستان بکنند یا پنجره‌ای از این داستان باز شده است. چهارم اینکه تکرار این داستان امثال آن نشان می‌دهد این ماجرا خیلی مهم است یعنی خود تکرار، نشان می‌دهد که این مطلب مهم است و باید به آن توجه ویژه شود و از زاویه‌های مختلفی به این موضوع نگاه شود. لذا در مورد «یقولون منی هذا الوعد ان کنتم صادقین» موضوع آیات در مورد رستخیزان و انکار صفتی است که چه موقعی این وعده رستخیز واقع می‌شود؟ و می‌بینیم در آیه‌های مختلف که در هر موردی یک واقعه‌ای بوده و این سؤال از طرف مخالفین تکرار شده و پاسخ مناسب همان واقعه هم داده شده است.

لذا امکان دارد افراد متعددی، در وقایع گوناگونی یک سؤالی را از پیامبر کرده باشند، و پاسخ‌های مناسب خودشان را در همان واقعه، گرفته باشند. از این رو اگر به موارد سؤال در آیات مراجعه شود متوجه می‌شویم که مسئله تکرار در این موارد حداقل یکمرت به ذهن می‌رسد.

در پائین‌ان اغراض و انگیزه‌های دیگری که برای تکرار آیات قرآن آمده و مفسرین به آنها اشاره کرده‌اند به نحو اجمال ذکر می‌کنیم: تکرار برای تأکید- تکرار برای هشدار و تهدید- تکرار برای بیدارساختن افکار و وجدان‌ها، تکرار برای تذکر و یادآوری و...



سلوک عارفانه

تلقین شیوه اثر گذار در ساختن سالک
(بدان ای سالک هر حق!) یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید استست، تلقین است. انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته بشود، باید آن مسائلی که مربوط به ساختن خودش است، به خودش تلقین کند و تکرار کند... تکرار ادعیه و تکرار نماز در هر روز چندین دفعه برای سازندگی انسان است.^(۱)

۱- صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۹۷

صفحه معارف روز های: یک‌شنبه، یک‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir

